



آیا ایران در جذب سرمایه‌گذاران خارجی در بخش معدن موفق خواهد بود؟

جذب سرمایه‌گذار خارجی در بخش معدن موضوع بسیار مهمی است و فراموش نکنیم که معدن اکنون تنها در ایران نیست که در اولویت قرار گرفته است. به ویژه بسیاری از کشورهای نفت‌خیزی که نفت اولویت اول اقتصاد آن‌ها را تعیین می‌کرد نظیر عربستان سعودی به فکر توسعه بخش معدن خود هستند.

شاهد هستیم که شرکت معادن که یکی از شرکت‌های اصلی عربستان سعودی می‌باشد، خالد بن عبدالعزیز الفالح؛ وزیر نفت عربستان، رییس هیات مدیره آن است. دلیل این امر آن است که عربستان برنامه دارد تا سال ۲۰۳۰ درآمد بخش معدن را به ۵ برابر شرایط فعلی برساند.

شرکت معادن با دارایی بیش از ۳۱ میلیارد دلار، جزو ۱۰ شرکت برتر معدنی دنیا به حساب می‌آید و در بین شرکت‌های منطقه GCC یا همان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بهترین رشد و عملکرد را داشته است.

این درحالی است که در ایران معدن تنها ۰/۶ تا یک درصد از تولید ناخالص ملی را شامل می‌شود و در عربستان این رقم به بیش از یک درصد رسیده و در محدوده یک تا دو درصد قرار دارد.

ایران در افق ۱۴۰۴ برنامه دارد علاوه بر ۵۵ میلیون تن فولاد به ۱/۵ میلیون تن آلومینیم رسیده و همچنین بخش معدن خود شامل اکتشاف و استخراج را توسعه دهد. برای تحقق این مهم، ایران حداقل به ۵۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد که جذب سرمایه‌گذاری خارجی را می‌طلبد و با توجه به بزرگ بودن این عدد، حتما باید این اتفاق رخ دهد. طبیعتاً جذب سرمایه‌گذاری خارجی به صورت FDI زمانی شکل می‌گیرد که برجام با موفقیت به حرکت خود ادامه

دهد. بنابراین باید منتظر ماند و دید که دولت دوازدهم تا چه حد می‌تواند در توسعه و پیشرفت برجام نقش ایفا کند و موفق باشد. چراکه اگر برجام در هر یک از مراحل خود متوقف شود قطعاً در جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز خلل ایجاد خواهد شد.

به هر صورت کشورهای منطقه مثل عربستان و عمان اگر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی پیشرفت کرده‌اند به دلیل برنامه‌های بلندمدتشان بوده است. برای مثال عمان توانسته در بندر و منطقه آزاد صحار سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های خوبی ایجاد نماید. غیر از اسکله و پروژه گندله‌سازی واله عمان پروژه‌های متعدد دیگری در این منطقه قرار است شکل گیرد.

گفتنی است، بندر صحار در سال ۲۰۰۲ شکل گرفت و عمان برای یک دوره زمانی ۴۱ ساله با مشارکت بندر روتردام هلند تا سال ۲۰۴۳ هدف توسعه بی‌سابقه‌ای را در حوزه زیرساخت‌های منطقه طرح‌ریزی کرده است.

در این بندر قرار است ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری با رویکرد جذب سرمایه‌گذار خارجی اتفاق بیفتد. درست است که این رقم، از سرمایه‌گذاری که ایران قرار است در بخش معدن داشته باشد کمتر است اما با توجه به جمعیت کم عمان این عدد، عدد بزرگی است.

در منطقه صحار کارخانه ذوب آلومینیم با همکاری رباتیک در حال شکل‌گیری است. همچنین کارخانه گندله‌سازی واله عمان در آن قرار دارد و جیندال هندوستان یک کارخانه آهن اسفنجی (جیندال شدید) و یک کارخانه نورد در آن منطقه راه‌اندازی خواهد کرد. علاوه بر موارد مذکور با مشارکت هندوستان و آفریقای جنوبی در منطقه صحار کارخانه فروکروم احداث خواهد شد. البته تمامی طرح‌هایی که نام برده شدند با مشارکت طرف‌های عمانی است. برای مثال کارخانه ذوب آلومینیم با مشارکت طرف عمانی، ابوظبی و رباتیک استرالیا بوده یا طرح گندله‌سازی با مشارکت عمان و واله برزیل می‌باشد.

به اعتقاد من، جذب سرمایه‌گذاری در منطقه MENA به گونه‌ای تهدید برای ایران نیز محسوب می‌شود چون شرکت‌های خارجی که مایل به سرمایه‌گذاری در خاورمیانه و شمال آفریقا هستند معمولاً به صورت همزمان در چند کشور سرمایه‌گذاری نمی‌کنند بلکه در یک کشور سرمایه‌گذاری خود را انجام می‌دهند. در نتیجه شرکت‌هایی که عمان یا عربستان را برای سرمایه‌گذاری انتخاب کرده‌اند کمتر ممکن است به ایران ورود پیدا کنند. در مورد عربستان سعودی نیز باید گفت، این کشور خود به تنهایی ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش معدن برنامه‌ریزی کرده و در مجموع دو کشور فوق بیش از ۷۵ میلیارد دلار در حوزه معدن، چرخه فولاد و فلزات پایه طرح دارند.

قطر اگرچه طرح‌هایی برای جذب سرمایه‌گذار خارجی در حوزه گاز دارد اما بحرین و کویت در جذب سرمایه‌گذار خارجی تعیین‌کننده نیستند پس تهدیدی برای ایران محسوب نمی‌شوند. با این وجود امارات را نباید نادیده گرفت چراکه این کشور تا افق ۲۰۲۵ برنامه دارد ظرفیت آلومینیم خود را به ۶ میلیون تن برساند و این مساله بر روی تولید و صادرات آلومینیم ایران در این افق اثرگذار خواهد بود. ظرفیت فعلی تولید آلومینیم امارات ۱/۵ میلیون تن در سال است که در مقایسه با تولید ایران که حدود ۳۵۰ هزار تن می‌باشد، عدد قابل ملاحظه‌ای است.

هر چه پروژه این کشورها در منطقه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر شود در پروژه‌های تعریف شده ایران هم تاثیرگذار خواهد بود برای مثال برنامه امارات به عنوان قطب تولید و صادرات آلومینیم برای توسعه این بخش، بر روی برنامه‌های صادراتی ایران در افق ۱۴۰۴ اثرگذار خواهد بود. در مورد فولاد هم وضعیت به همین صورت است چراکه در افق ۱۴۰۴ که برنامه صادرات فولاد ایران ۱۵ تا ۲۰ میلیون تن است. هند نیز ظرفیت تولیداتش را به ۲۲۰ میلیون تن خواهد رساند.

هندوستان تا سال ۲۰۱۴ بعد از آمریکا در رده چهارم تولیدکنندگان برتر فولاد جهان قرار داشت. در آن زمان تولید

آمریکا ۸۸/۲ میلیون تن فولاد بود در حالی که هند ۸۷/۳ میلیون تن تولید می‌کرد اما در سال ۲۰۱۵ آمریکا را پشت سر گذاشت و تولید خود را در سال ۲۰۱۵ به ۸۹/۶ میلیون تن و در سال ۲۰۱۶ به ۹۵/۶ میلیون تن رساند. هند در طرح جامع فولاد اولیه خود که اوایل دهه ۲۰۱۰ ارایه کرد، تولید ۳۰۰ میلیون تن فولاد را تا سال ۲۰۲۵ در برنامه داشت اما چون این عدد را دست نیافتنی دید در بازنگری طرح جامع فولاد خود در سال ۲۰۱۲، این عدد را به ۲۰۰ تا ۲۲۰ میلیون تن کاهش داد. این عدد هم به خودی خود بالاست و در صورت تحقق هندوستان می‌بایستی در افق ۲۰۲۵ صادراتی بالغ بر ۵۰ تا ۶۰ میلیون تن داشته باشد. پس می‌توان دید که با این حجم صادرات، صادرات ۱۵ تا ۲۰ میلیون تنی فولاد برای ایران به راحتی تحقق نخواهد یافت مگر آن‌که کیفیت فولادمان را بالا و هزینه تولیدمان را پایین بیاوریم. در مجموع می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که ایران در امر صادرات فولاد نیز رقابت سخت و تنگاتنگی دارد. کما این‌که چین به عنوان بزرگ‌ترین فولادساز جهان، دو کارخانه ورشکسته فولاد در پاکستان و صربستان را خریداری کرده است تا تولید فولاد خود را برون مرزی کند البته خرید کارخانه در اروپا در راستای رقابت تنگاتنگ با اروپایی‌ها و مقابله با قوانین ضد دامپینگ است اما خرید کارخانه در پاکستان یک دلیل دیگر داشت و آن ایفای نقش استراتژیک در منطقه شبه قاره هندوستان و توسعه صادرات فولاد در راستای اهداف پروژه جاده ابریشم جدید One Belt One Road است. بنابراین در یک جمله، موفقیت در افق ۱۴۰۴ به دو دوره ریاست جمهوری در این زمان ۸ ساله باقی‌مانده باز می‌گردد و روسای جمهور در این دو دوره (آقای روحانی و رییس جمهور بعدی)، نقش به‌سزایی در رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ با توسعه جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایفا می‌کنند.

اصل این‌که چطور می‌توانیم در جذب سرمایه‌گذار خارجی موفق باشیم به این مساله باز می‌گردد که حداقل از ایجاد تنش خودداری کنیم مگر آن‌که طرف‌های متخاصم علاقمند نباشند که روابط دوستانه با ایران داشته باشند در این صورت چون ارتباط دیپلماسی مناسبی بین دو کشور برقرار نمی‌شود، منطقی است ارتباط تجاری با این کشورها برقرار نشود. زیرا کشورهای متخاصم به جای این‌که در جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک‌کننده باشند، کارشکنی خواهند کرد.

باز هم تاکید می‌کنم که با توجه به ذخایر غنی که ایران در حوزه معدن دارد نیازمند جذب سرمایه‌گذاری است اما این‌که چقدر بتوان این مساله را عملیاتی کرد زمان‌بر است.

فرمولی در اقتصاد وجود دارد که به فرمول ۷۰ مرسوم است. در این اصل آمده، اگر بخواهیم سهم هر بخش در تولید ناخالص داخلی هر کشوری را دو برابر کنیم به ۷۰ سال زمان نیاز داریم البته این فرمول ریاضی بوده و نمی‌توان گفت به صورت صددرصد قطعی است با این حال این فرمول زمان در صورتی که منبع درآمد جدیدی برای کشور تعریف نشود، مطرح می‌گردد.

اگر قادر به جذب درآمد جدید برای کشور باشیم این قانون را می‌توان نادیده گرفت و اگر در قالب جذب سرمایه‌گذار خارجی این اتفاق رخ دهد قطعاً این زمان کوتاه‌تر خواهد شد. پس هیچکس نمی‌تواند با قطعیت بگوید که ایران اگر بخواهد سهم معدن در تولید ناخالص ملی را افزایش دهد به چند سال زمان نیاز دارد. اما مهم این جاست که ما هر چه در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موفق عمل کنیم می‌توانیم سریع‌تر به اهداف خودمان دست پیدا کنیم و چه بسا بتوان در افق ۱۴۰۴ به هدف از پیش تعیین شده برسیم و درآمدهای معدن و صنایع معدنی را جایگزین نفت و درآمدهای حاصل از آن کنیم.

کیوان جعفری‌طهرانی

رییس امور بین‌الملل انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان سنگ آهن ایران